



تعم احمدی / ایران

گفت‌وگو با **فریدون مجلسی** به بهانه بازنشر رمان «شوهر کمونیست من»

فیلیپ راث واقعیت جهان را به چالش کشید

مریم شهبازی
خبرنگار

«فیلیپ راث» را نه تنها از جمله بزرگ‌ترین رمان‌نویسان جهان می‌دانند بلکه حتی عده‌ای معتقدند او آخرین نویسنده قدرسقیدپوست امریکایی است. نویسنده‌ای که سیاست، شرایط اجتماعی و بویژه برهه خاصی از تاریخ زادگاهش، جایگاه خاصی در نوشته‌های او دارد؛ هرچند که برخی هم امریکای رمان‌های او را مصداقی قابل تعمیم به وضعیت حاکم بر کل جهان می‌دانند. فریدون مجلسی، نویسنده و مترجمی که تا به امروز برخی آثار راث، از جمله «خشم»، «زنگار بشر» را به فارسی بازگردانده، به بهانه چاپ دوم «شوهر کمونیست من» از این رمان که برخی آن را سیاسی‌ترین نوشته راث می‌دانند، در خلال گفت‌وگوی امروز مان می‌گوید: «مانی سیاسی – تاریخی که برآمده از دوره موسوم به «مک کارتیسم» است؛ زمانه‌ای که نگارنی‌ها از نفوذ کمونیسم، «کمیته بررسی فعالیت‌های ضد امریکایی مجلس نمایندگان امریکا» به سرکردگی سناتور «جوزف مک کارتی» را بر آن داشت تا دورانی تاریک را در تاریخ این کشور ثبت کند.

- قبل از هر سؤال درباره چرایی تغییر عنوان کتاب بگویید! بویژه که به نظر می‌رسد اجباری به این کار نبوده! عنوان کتاب را ابتدا همان «من بایک کمونیست از دواج کردم» گذاشته بودم که برابر با اسم اصلی کتاب است.
- پس چرا به «شوهر کمونیست من» تغییر کرد؟ پیشهاد ناشر کتاب بود، آن هم مبتنی بر شناخت از مخاطبان ایرانی. براین اساس که مردم ما همان ابتدای امر که کتابی به دست می‌گیرند دست‌اخذی حس کنج‌کاوی‌شان را ضاچود. رمان با تغییر مختصری در نام آن منتشر شد تا مخاطب از همان ابتدا بداند این کتاب از قول زنی روایت می‌شود که با مرادی کمونیست ازدواج می‌کند.
- از همان ابتدای مطالعه این رمان، مخاطب بیش از آن که با اثر داستانی روبه‌رو شود خود را در برابر گزارشی تاریخی – سیاسی می‌یابد. حتی گاهی داستان در خلال بازگویی وقایع مذکور که برهه سیاسی خاصی از امریکا، موسوم به دوره «مک کارتیسم» را نشان، رفته گم می‌شود. چه میزان از این رمان واقعی و چقدر از روند داستان مبتنی بر تخیل است؟ برخی این رمان را سیاسی‌ترین نوشته راث می‌دانند.

این که سیاسی‌ترین کار او به شمار می‌آید یا نه را نمی‌دانم چرا که همه رمان‌های راث سیاسی هستند. بخش عمده‌ای از اطلاعات کتاب واقعی است، باینکه نویسنده حدود ۱۲۰۰ سالی از من بزرگ‌تر است اما آن زمان را به نوعی درک کرده‌ام. این کتاب گویای بخشی از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی دوره‌ای از تاریخ کشور امریکا است.

- و البته گویای تأثیری که گرفت و گیرهای «کمیته مبارزه با فعالیت‌های ضد غیر امریکایی» به رهبری افرادی همچون مک کارتی و ریچارد نیکسون در روند فعالیت‌های جامعه فرهنگی – هنری آن روز داشته! بله، تحت تأثیر شرایط آن دوره، زندگی فرهنگی – هنری جامعه فرديخته با مشکلات زیادی روبه‌رو شد که در این بین یهودیان به مراتب با مصایب بیشتری هم مواجه شدند. چرا که در آن زمان کمونیسم را بیشتر یک برآیند یهودی قلمداد می‌کردند، بویژه که مارکس و انگلس و دیگر سرمداران آن یهودی بودند. بعد از انعام جنگ جهانی دوم، رقابت ایدئولوژیک به مسأله‌ای جدی تبدیل شد که البته این بیشتر به شوروی ربط داشت و نه امریکا. این مسأله منجر به شکل‌گیری جنگ سرد شد.
- با وجود شکل‌گیری جنبش مک کارتی که باعث نفوذ کمونیست‌ها در دولت فدرال امریکا را مطرح کرد شما معتقدید که امریکا نقشی در این رقابت نداشته؟ بله، چرا که حکومت امریکا ایدئولوژیک نبود.
- اما افرادی همچون مک کارتی از بحث پاک‌سازی این ایدئولوژی برای اهداف سیاسی خود بهره گرفتند! صحبت من درباره جنگ سرد است که پاسخ سؤال شما را باید در آن جست‌وجو کرد؛ مسأله‌ای که کشور ما را نظیر دیگر نقاط جهان درگیر کرد. می‌دانید حزب توده ایران در چه سالی تشکیل شد؟

- اوضاعی که در این رمان توصیف‌شده چقدر به شرایط نفوذ کمونیسم در کشور خودمان، از دهه ۲۰ شمسی به بعد شباهت دارد؟

آنجایی که شخصیت‌های داستان صفحه آهنگ‌های انقلابی روسی را بدون آن که معنی‌شان را متوجه شوند گوش می‌دهند شبیه اوضاعی است که در کشور ما هم به نوعی حاکم بوده است. قربانیان آن شرایط تنه‌ای به طبقه کارگر کشور ما محدود نمی‌شدند، در سطوح بالاتر که نگاه کنید فردی همچون چارلی چاپلین هم یکی از قربانیان مک کارتیسم بوده که در نهایت مملکت خود را می‌گذارو می‌رود. بخشی از رمان در توصیف وضعیتی است که مک کارتی در امریکا سب می‌شود. نکته دیگری که مورد توجه راث بوده این است که نهضت چپ در چه محفل‌های امریکامی‌گردد و چطور سراز بخش‌های مهم فرهنگی و هنری درمی‌آورد، چطور کم‌کم می‌تونه‌های مردم نفوذ می‌کنند و در نهایت با آنان چه برخوردی می‌شود؛ برخورد هایی که برآمده از وحشت شوروی است و نه خود کشور ما. چپ سوسیالیست، در امریکایی – دو هنرپیشه قدیمی که طرف مک کارتی را داشته‌اند تا آخر بدنام باقی‌مانند و همیشه به عنوان آدم‌های مارک‌دار با آنان برخورد می‌شود.

- در نهایت خود مک کارتی هم با سرزنش سنگره روبه‌رو شد! هنوز هم مک کارتیسم به عنوان یک لکه سیاه از تاریخ معاصر امریکا است. شما در این کتاب با چند زندگی تخریب‌شده روبه‌رو می‌شوید که نمونه‌ای از شرایط آن سال‌های امریکا هستند. راث در این کتاب تاریخ را به قالب داستان آورده و پیش روی مخاطب می‌گذارد؛ به‌نری که بی‌شک کمتر نویسنده‌ای قدرت استفاده از آن را دارد.

- و آن کمیته مشهور به سرکردگی مک کارتی راه افتاد! بله و کمونیست بودن مصادف با فعالیت‌های ضد امریکایی شد، چرا که کمونیست‌ها می‌خواستند دنیا را بگیرند و امریکایی‌ها نمی‌خواستند چنین اتفاقی رخ بدهد. اسم این مقاومت امریکایی را هم جنگ سرد گذاشتند و در این جنگ مانند هر مبارزای آنان که شعارهای بلندتری سرمی‌دادند موقعیت بهتری به دست می‌آوردند. در این اوضاع ستاتور مک کارتی آن کسی بود که در سنا نشسته بود و کل حاکمیت امریکا را در دست خود می‌فشرد. نیکسون هم دست مک کارتی شد و دست به بررسی فهرست‌هایی زدند که اساس آن کمونیست بودن یا نبودن افراد بود.

- هرچند که این اقدامات در نهایت به بدنامی امریکا انجامید! بله، بویژه که اثرگذاری آن در سطح جهانی بود. در آنجا هم مانند ایران، کمونیست‌ها از میان عوام نبودند، بیشتر متعلق به طبقه روشنفکر بودند.
- مرکز مک کارتی به روی گروه‌های فرهنگی – هنری از همین بابت بود؟ برخوردی که بخش مهمی از رمان «شوهر کمونیست من» را تشکیل می‌دهد.

- گروه‌های فرهنگی – هنری بیش از همه تحت فشار بودند چرا که سطوح پایین جوامع معمولاً کاری به سیاست ندارند مگر آن که به تهییج داشته شوند. این که شما «شوهر کمونیست من» را بیش‌تر همچون گزارشی سیاسی – تاریخی یافتید از این بابت است که فیلیپ راث در این رمان کوشیده وقایع زمانه مذکور را شرح بدهد.
- و اینکه بر شرایط آن زمانه داستان کتاب را از چند جهت پیش می‌برد!

بله، جایی ماجرای بچه‌ای است که پدری پزشک دارد و در خانه خوبی زندگی می‌کند، پسر کم‌وسالی که با اشتخاصی شبیه خودش نشست و برخاست دارد. آن هم در شرایطی که مسلک سیاسی پدرش به کل در تضاد با او قرار دارد. او وارد جنبه‌های ایدئولوژیک شده و کمی بعد هم در صدد عملی کردن تئوری‌هایی برمی‌آید که به آنان تزریق شده است.

نیست، رمان‌های راث مملو از اطلاعات تاریخی – سیاسی است که به همین واسطه هر مترجمی شاید نتواند سراغ نوشته‌های او برود، هرچند که طی سال‌های اخیر مترجمان خوبی دست به بازگردان نوشته‌های او به فارسی زده‌اند.

- توجه ویژه‌ای که در اغلب آثارش به بازگویی زندگی یهودیان امریکانشان داده از چه بابت است؟ راث خودش یهودی بوده و طبیعی است که به سبب آشنایی اش با زندگی یهودیان، قهرمان داستان‌های او هم اغلب سراز همان جوامع در آور دند؛ گاهی دست به تشریح شرایط آنان برای بیان واقعیت‌های زندگی شان زده و گاهی حتی بخش‌هایی را به شوخی گرفته تا جایی که به ضد یهود بودن هم متهم می‌شود، شاید از جهاتی نوشته‌های او بیاد آور داستان‌های صادق هدایت باشد؛ مگر هدایت ایدئولوژیست است؟ نه! منتها نوشته‌های او هم جنبه انتقادی بسیار قوی به جامعه دارد، شبیه به راث.
- اما نحوه شخصیت‌سازی‌های راث در آثارش هم جالب توجه است، بویژه آنجایی که اسم شخصیت اصلی یکی از رمان‌ها را «فیلیپ راث» گذاشته و مخاطب گمان می‌کند با زندگینامه او طرف است، در صورتی که این طور نیست؛ بازی‌های این چنینی اش هم در جلب نظر منتقدان مؤثر بوده است؟

- بله، او نویسنده بزرگی است.
- ترجمه آثار راث از چه بابت مورد توجه شما قرار گرفته؟ این نشأت گرفته از پیشینه فعالیت‌های خود شما در عرصه سیاست است یا تنها بحث ارزش مضمونی و ساختاری نوشته‌های او در میان بوده است؟

راستش من «زنگار بشر»، (نخستین کتابی که از راث ترجمه کردم) را هدیه گرفته بودم؛ کتاب را که خواندم بقدری از آن لذت بردم که ترجمه اش کردم و بعد از آن بود که به سراغ آنکه شخصیت اصلی رمان کشته می‌شود شروع به نوشتن خاطرات خود می‌کنم؛ شما همه چیز را عادی می‌خوانید در حالی که اصل ماجرا غیر واقعی است و در حال مطالعه خاطرات فردی کشته شده هستید.

- بنابراین می‌بینیم که هنر راث تنها به بحث بهره‌گیری اش از سیاست و تاریخ نیست، او در نویسندگی هم یک هنرمند تمام‌وکمال و اوسوینی بسیار خلاق است؛ در این رمان حتی امیدبخشی هم هست، راث می‌خواهد بگوید هیچ چیز دائمی نیست، شرایط بهتری می‌شود و به رغم برخی فراز و نشیب‌ها بالاخره جهان حرکتی روبه بالا دارد.
- به رغم گفته شما راث را نویسنده‌ای بدبین می‌دانند که حتی عمده توجه او به واهی بودن آرمان شهرها است! راث بدبین نیست، او از واقعیت جهان امروز سخن می‌گوید. تا کیدش بر این است که چه می‌خواسته‌ایم و

شوهر کمونیست من روایتی از برهه مهمی از تاریخ کشور امریکا است، البته این رمان و پیامی که مدنظر راث بوده تنها به امریکا محدود نمی‌شود و به نوعی او وضعیت حاکم بر کل جهان را به چالش کشیده است. نویسندگان رمان‌های اصولی تاریخی بر مبنای وقایع تاریخی به سراغ خلق آثار ادبی می‌روند. شما در دوره رمانتیسیسم وقتی به بینوایان «ویکتور هوگو» می‌رسید مگر چیزی غیر از واقعیت فرانسه را در آن می‌بینید؟ مگر چیزی غیر از وضعیت اجتماعی فرانسه آن زمان را می‌خوانید؟ قربانی اصلی این اثر، «ژان والژان»، نمادی از حقیقتی است که مصداق‌های زیادی داشته است

زیادی نیز داشت؛ در سیاست هم دخالت می‌کرد؛ حتی در جنگ داخلی اسپانیا هم شرکت می‌کرد، اما ناگنرش خاص خودش جلومی‌رود بی‌خود که به چنان نام بزرگی تبدیل نمی‌شود؛ درباره راث هم این طور است؛ در ایران آشنا نشده، در خلال دوران سربازی اش که در کشورها سپری می‌شود در صحبت‌های میان جوانان دربار راث می‌شنود. او همه فردی را به طبقه پایین اجتماعی است که ذهنش درگیر اما و گاه‌های بسیاری شده؛ بزرگ‌ترین عامل کمونیست شدن جوانان در آن سال‌هایی اعتبار ایدن آینه‌دند نزد آنان بوده است. احساس می‌کردن این شدن ایدئولوژی زندگی آنها را تأمین کرده اند که فکر کردن دست یافتنی می‌کند. این علت جذب گروه بزرگی از مردم به برخی احزاب کمونیستی بوده است.

- خفانی که تحت تأثیر فعالیت کمیته مذکور گریبان اهالی فرهنگ و هنر را گرفته چقدر به شرایط حاکم بر طیف روشنفکر در دوره استالین شباهت دارد؟ با در نظر گرفتن برخی تفاوت‌ها، شرایط مشابهی بوده است. روشنفکر واقعی به محض مواجهه با یک مشکل در صدد حل آن برمی‌آید در حالی که ایدئولوژی‌هایی همچون کمونیست بر این تأکید دارند که فکر کردن ممنوع افق پیروی کنید و استالین از همین جهت چندین میلیون نفر را کشت! دوره «مک کارتیسم» مانع آزادی بیانی شد که حاصل اول قانون اساسی امریکا بود.
- گرفت و گیرهای این دوره امریکا چقدر به شرایط بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و برخورد با توده‌های هادر دوره زمانی مشابه شباهت دارد؟

تردید نیست دولت امریکا با برخورد‌های قهری آن زمان ایران با توده‌ای‌ها موفق‌تر داشته است. دولت زاهدی چیزی شبیه دولت آیزنهاور بود؛ اتفاقاتی شبیه مک کارتیسم را به اجرا گذاشتند و گرنه امریکانری ۲۸ مرداد هیچ نیرویی پیاده نکرد و انگلیس هم کاری نیست که آثار او را تنها برآمده از قریحه‌ای بدانیم که در داخلی بودند؛ از بازگویی اتفاقات آن سال‌ها که بگذریم،

به چه چیزی دست یافته‌ایم. با این حال تأکید دارد که به رغم همه موانع و سختی‌ها در نهایت روند زندگی رو به تعالی است.

- جایگاهی که برای راث در عرصه ادبیات و بویژه در نیمه دوم قرن بیستم قائل هستند و او را آخرین نویسنده قدر سفیدپوست امریکامی‌دانند از چه بابت است؟ هم به جهت مضامینی که در خلق رمان‌های خود به آنها توجه کرده و هم ساختار و سبکی که در نوشتار داشته است؛ همان نمونه‌ای که اشاره کردم؛ این که فردی کشته شده از خاطرات خود بگوید اتفاق شگرف و بدیعی است، اما این توانایی غیر از استعداد ذاتی از کجا آمده؟ راث نویسندگی را به پشتوانه ویراستاری شروع کرد، البته ویراستار هر جاهم نبوده و برای مؤسسات مطرح بین المللی همچون «پنگوئن» کاری کرده است؛ طبیعی است که سواد چنین فردی حتی خیلی بیشتر از سطح دانشگاهی او مهم‌ترین ویژگی راث سطح بالای سواد برخورداری اش از دانش است، البته بخشی از داستان‌های او هم برآمده از تجربیات شخصی اش هستند. نکته دیگری که نباید از آن غافل شد شناخت خوبی است که از ادبیات داشته و از سواد رفقه‌ها و افراد باسواد فردی محترمی یاد کرده‌ام که از جان و دل کار بزرگی انجام داد، هرچند که نتوانست آن را به پایان برساند که تقصیر خودش هم بوده است؛ طی این مدت کوتاهی که از انتشار کتاب گذشته، عده‌ای به من باسزا پرسیدند که در نوشتار خود کتاب جواب این افراد را داده‌ام و گفته‌ام اگر مخالف از مقاله‌هایی هستم که طی سال‌ها نوشتم، ام حدود پنجاه مقاله که از ابتدای قاجاریه تا مملی شدن نفت را شامل می‌شود؛ باید آنها را بخوانم و ببینم کدام یک مناسب انتشار است تا در نهایت در قالب یک کتاب روانه کتابفروشی‌ها شود.

- گفت‌وگو را با چرایی علاقه‌ای تمام کنیم که به نظر می‌رسد طی سال‌های اخیر به کتاب‌های داستانی برآمده از وقایع سیاسی و حتی آثار سیاسی غیرداستانی شکل گرفته، مانند کتاب خاطرات «جان بولتون» که برای ترجمه اش در ایران مسایقه‌ای میان برخی مترجمان و ناشران راه افتاد و در زمان کوتاهی چندین مرتبه تجدید چاپ شده است!
- در آخر بگویید که این روزها چه می‌کنید؟ طی یک ماه اخیر تازه‌ترین کتاب من درباره مصدق از سوی نشر پاپان منتشر شده است؛ در این کتاب با نگاه انتقدانه به سراغ مصدق رفتم اما او به عنوان فرد محترمی یاد کرده‌ام که از جان و دل کار بزرگی انجام داد، هرچند که نتوانست آن را به پایان برساند که تقصیر خودش هم بوده است؛ طی این مدت کوتاهی که از انتشار کتاب گذشته، عده‌ای به من باسزا پرسیدند که در نوشتار خود کتاب جواب این افراد را داده‌ام و گفته‌ام اگر مخالف از مقاله‌هایی هستم که طی سال‌ها نوشتم، ام حدود پنجاه مقاله که از ابتدای قاجاریه تا مملی شدن نفت را شامل می‌شود؛ باید آنها را بخوانم و ببینم کدام یک مناسب انتشار است تا در نهایت در قالب یک کتاب روانه کتابفروشی‌ها شود.